

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن - المان، اکتوبر ۱۹۹۸ م

هفتاد سالگی

کسی کو در سن هفتاد ، افتاد ز مستی ماند و از اولاد افتاد
سری در زیر بار عمر خم شد گلی در رهگذار باد افتاد
ندا آید که آن سرو رسا خفت دگر آن قامت شمشاد افتاد
همان کوه بلند ایجاد لرزید همان دژ کهن بنیاد افتاد
اگر آتش، به خاکستر نشسته اگر آهن و گر فولاد افتاد
به چشم دشمنان شد خنده آور به پیش دوستان از یاد افتاد
به کنج ناتوانی رفت و خوابید سرو کارش به رنج آباد افتاد
گشن مردی که خود امداد میکرد کنون خود در غم امداد افتاد
همان دستی که روزی داد می داد کنون در پنجه بیداد افتاد
ز درد سینه و سوز بواسیر به وسواس قلنج و باد افتاد
چو لرزشهای دست و پا فزون شد یقین ، صد جا اگر استاد افتاد
همه گویند کو دیگر نخیزد همه گویند کو افتاد افتاد
ز فرط خُرده گیری های بی جا به چندین بار با اولاد افتاد
شده بیچارگی پیوند نامش چو آن بیچاره از فریاد افتاد

«اسیر» از حسرت پیری چه نالی
که از این کوه صد فرهاد افتاد